

سبک‌شناسی مناظرات کلامی امام رضا علیه السلام

فاطمه رجبی^۱

اعظم مطهری^۲

چکیده

امام رضا علیه السلام مناظرات گسترده‌ای در زمینه‌ی مباحث کلامی با سران ادیان الهی و اندیشمندانی از مکاتب و مذاهب مختلف و صاحبان آراء و عقاید متفاوت داشته‌اند. حضرت در تمامی بحث و گفت و گوها با به کارگیری شیوه‌ها و روش‌های مختلف حقانیت عقاید اسلامی را به اثبات رسانیده و باطل بودن نظرات مخالفین را مشخص می‌ساختند.

با بررسی مناظرات کلامی علی بن موسی الرضا علیه السلام علاوه بر آشنایی با شیوه و روش‌های مناظراتی حضرت، می‌توان به صفات و ویژگی‌هایی دست یافت که توجه به آن در آموزه‌های اسلامی، جهت استفاده در مناظره با گروه‌ها و افراد مختلف خصوصاً مخالفان دین و مذهب، از ارجمندی ویژه‌ای برخوردار است.

این مقاله جهت شناخت سبک مناظراتی حضرت در ابتدا شیوه‌ها و سپس ویژگی‌های بحث و گفتگوهای امام علیه السلام را مطرح می‌کند.

واژگان کلیدی

امام رضا علیه السلام، مناظره، کلام، سبک.

Email: fatemerajabi1@yahoo.com

۱. استادیار دانشگاه باقرالعلوم قم، گروه فلسفه و کلام

Email: azam.motahari@yahoo.com

۲. سطح سه فقه و اصول، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه قم.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱

طرح مسأله

مسائل اعتقادی در اسلام از دو منبع اصلی قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام سیراب می‌شود، و تمسک به آن هاست که انسان را از هرگونه ضلالت علمی و عملی باز داشته، و در طریق مستقیم ثابت نگه می‌دارد.

و از آن جا که در عصر حاضر شاهد ظهور و بروز آراء و عقاید متفاوت هستیم. و یکی از راههای شناسایی عقاید و افکار دیگران بحث و گفت و گو با آن ها می باشد. و اینکه مناظره در دنیای کنونی خصوصاً در میان نسل جوان - بسیار تأثیر گذار می باشد. و با توجه به این نکته که مناظره بسیار مهم، ظریف و حساس است، به گونه ای که انجام مطلوب آن بسیار سودمند و اثر بخش است و انجام غیر صحیح و نامناسب آن، نتیجه ی عکس می دهد.

بنابراین برای انجام مناظرات و نتیجه بخشی آن در موضوعات - خصوصاً مباحث کلامی - نیازمند الگویی صحیح هستیم.

با دقت در مناظرات ثامن الحجج علی بن موسی علیه‌السلام به این نتیجه می رسیم که ایشان همه ی اصول و ضوابط مناظره را رعایت نموده اند. و با به کارگیری روش های متفاوت و ویژگی های خاصی توانستند به دفاع از معارف اسلامی پرداخته. در بحث و گفتگوها بر خصم پیروز گشته. و در بسیاری از موارد به مسلمان شدن مخاطبین منتهی شد.

در این نوشتار، به برخی از سبک های مناظراتی حضرت اشاره می شود.

الف) روش های مناظرات کلامی امام رضا علیه‌السلام

در یک نگاه شیوه و روش مناظراتی امام را در سه مرحله می توان بیان کرد.

۱ - مشخص کردن طرف مقابل

گاه انسان با جمعی روبرو می شود که همه مخالف اند. در این موارد، شیوه ی مناظره می طلبد که از آنان خواسته شود فردی را به عنوان نماینده معرفی کنند تا با او مناظره شود. زیرا بحث و گفت و گو با جمع هیچ گاه به نتیجه نمی رسد؛ چون هر کس سخنی می گوید و سؤالی می پرسد؛ در نتیجه ممکن است بحث از مسیر اصلی خود منحرف گشته و یا همه ی افراد به جواب سؤالات خود نرسند و یا حقیقت پنهان گردد. به همین دلیل اولین کاری که امام رضا علیه‌السلام قبل از مناظره انجام می دادند، مشخص کردن طرف مقابل بود. از جمله

روزی مأمون (از خلفای بنی عباس)، گروهی از فقها و متکلمان را جمع کرد تا با امام هشتم علیه السلام مناظره کنند. آن بزرگوار فرمود: «شما یک نفر از بین خود انتخاب کنید و هرچه او پذیرفت، شما ملتزم شوید.» همه رضایت دادند که یحیی بن ضحاک سمرقندی - که مانند او در خراسان نبود - انتخاب شود. (صدوق، ۱۳۷۳: ۲/۲۳۳؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۲/۴۹۶)

۲ - هدایت به بحث

در رفتار ارتباطی امام علیه السلام، مخاطب ایشان چاره‌ای نداشت جز این که قدم بعدی را با ایشان بردارد؛ به عبارت دیگر، همگامی و هم‌آوایی امام علیه السلام به هدایت شدن طرف مناظره منتهی می‌شد. ایشان وقتی با مخاطب درگیر می‌شد، او را راهنمایی و در غیر این صورت با او همگامی می‌کرد. (هاشمی اردکانی، ۱۳۸۷: ۱۸۷)

برای مثال امام در مناظره با جاثلیق (رئیس نصاری در بلاد اسلامی) به او فرمود: «آیا قائل هستی که شهادت عیسی علیه السلام در حق خودش چنین بود که گفت: «... صعود نمی‌کند به سوی آسمان، مگر کسی که از آسمان نازل شده باشد غیر از من، مگر سوارشونده‌ی شتر که خاتم پیغمبران است...» امام پس از نقل سخن عیسی در مورد پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، نظر وی را در مورد آن جویا شد و از او پرسید: «پس چه می‌گویی در مورد این سخن؟» جاثلیق گفت: «این قول عیسی است و منکر آن نیستم.» و سپس حضرت از او پرسید: «چه می‌گویی در شهادت لوقا و مرقابوس و متی در حق عیسی علیه السلام و در آن چه نسبت دادند به عیسی؟» جاثلیق در جواب گفت: «ایشان دروغ بستند بر عیسی.» سپس امام علیه السلام رو به مردم کرده و فرمودند: «ای قوم! آیا همین جاثلیق در ابتدا نمی‌گفت اینان علمای انجیل هستند و هرچه گفته‌اند، حق است. در حالی که الآن می‌گویند به عیسی دروغ بستند؟!» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۰۸؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۲/۴۳۹-۴۳۶)

پس از پی‌گیری بحث در این مناظره روشن می‌گردد که امام شیوه و روش درستی را برای هدایت کردن طرف مقابل به جهت بحث اصلی به کار برده‌اند.

ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در مباحثات، همواره سعی داشتند با استفاده از شیوه‌هایی که در ذیل به آن اشاره می‌گردد، مخاطب را به جهت بحث هدایت کنند.

۲ - ۱ - احتجاج با زبان خصم

برای درک و فهم بهتر مطالب و گویا بودن بحث و گفت‌وگو، بهتر است با مباحثه‌گران به

زبان خودشان مباحثه گردد. زیرا هر زبان، ظرافت‌ها و لطافت‌هایی دارد که فقط اهل آن متوجه می‌شوند. و از آن‌جا که مناظره حساس و دقیق است، بهتر است کسانی وارد این عرصه شوند که با زبان مقابل، کاملاً آشنایی داشته باشند، زیرا وجود مترجم خیلی مثرثمر نیست. لذا یکی از شیوه‌های امام در مناظرات این بود که با هر کس به زبان خود او سخن می‌گفت. شاهد بر این ادعا، مطالبی است که نقل می‌گردد:

در سفری که حضرت به بصره داشتند؛ عمرو بن هذاب به ایشان گفت: «محمد بن فضل هاشمی چیزهایی از شما گفته که دل‌ها زیر بار آن نمی‌رود!» امام علیه السلام پرسیدند: مگر چه گفته؟ ابن هذاب گفت: «به ما خبر داده است که به تمامی آن چیزی که خدا نازل فرموده است، آگاهی داری و با تمامی زبان‌ها و لغات آشنا هستی.» حضرت فرمود: «محمد راست می‌گوید، سؤال کنید.» ابن هذاب که از پیش، افرادی را از میان زبان‌های مختلف انتخاب کرده بود، آنان را احضار کرد. حضرت فرمود: «سخن بگویند به آن‌چه دوست دارند تا هر کدام را به زبان خودشان جواب دهم.» هریک از آن‌ها مسئله‌ای با زبان خودشان پرسیدند و حضرت با زبان خود آن‌ها جواب دادند، در آخر آن‌ها اقرار کردند که امام رضا علیه السلام، نسبت به لغات و زبان آن‌ها از خودشان فصیح‌تر است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۵/۴۹ و ۷۴؛ هم چنین ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲: ۱۹۱-۱۸۸)

و هم‌چنین در احوالات ایشان است که می‌فرمودند: «من دلیل می‌آورم بر اهل تورات به تورات ایشان و بر اهل انجیل به انجیل ایشان و بر اهل زبور به زبور ایشان و با صابئی‌ها به زبان عبرانی ایشان و با هیربدان، به زبان فارسی ایشان و بر اهل روم به زبان رومی ایشان و بر کسانی که با من به گفت‌وگو پردازند، با هریک به زبان خودش گفت‌وگو می‌کنم.» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۰۳/۱؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۴۲۴/۲)

۲-۲- رعایت سطح فکری مخاطب

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در بحث باید به آن توجه کرد، به دست آوردن ظرفیت فکری، عقل و درایت طرف مقابل است؛ زیرا این سنجش سبب می‌شود تا بدانیم چگونه با او گفت‌وگو را شروع کرد و دروازه‌ی سخن را باز نمود. وقتی انسان به شناخت مخاطب خود پرداخت، به اندازه‌ی درک او سخن می‌گوید تا از مرز نیروی گیرایی یا تأثیرپذیری او تجاوز ننماید، در غیر این صورت به هدف مناظره نخواهد رسید.

علی بن موسی علیه السلام هم این اصل را در مناظرات خود با قشرهای مختلف در سطوح متفاوت در نظر داشتند. آن‌جا که رهبر یک مکتب می‌آید، حضرت به شیوه‌ی یک مناظره‌کننده متبحر وارد بحث می‌شوند و با استدلال‌های مختلف او را به زانو درمی‌آوردند؛ اما در جای دیگر، اگر مخاطب حضرت یک شخص عادی و عامی است، با چند جمله‌ی ساده و یا با یک تمثیل، حق را برای او آشکار می‌سازند، (ر.ک: همان، ۸۹) و در جایی که خواص اصحاب، مخاطب حضرت بودند و گنجایش درک معارف را در سطوح بالا داشتند، جوابی داده می‌شد که با عقل و استعداد آن‌ها مطابقت کند.

در این قسمت از بحث، دو مناظره به عنوان نمونه مطرح می‌گردد، یکی در سطح عوام مردم که از زیرکی نقادانه برخوردار نیستند، و دیگری پیچیده که فهمیدن عمق مطلب بدون دقت نظر و مهارت کافی ممکن نیست.

مناظره اول: مردی از ثنویه پرسید: «به اعتقاد ما دو خدا، صانع و سازنده عالم هستند. دلیل شما بر وحدانیت و یگانگی خدای عالم چیست؟» امام علیه السلام با دلایل بسیار ساده برای او به اثبات یگانگی خالق می‌پردازند، به طوری که به راحتی قابل پذیرش است و در خور فهم عوام مردم. (صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۲۷۰)

مناظره دوم: عمران صابی (از متکلمان معروف و صائبی مذهب بود) در مناظره با امام سؤالاتی می‌پرسد، از جمله: «آیا خداوند برای خویشتن معلوم بود؟» یا می‌پرسد: «خداوند به معلوم خود به چه وسیله‌ای علم پیدا کرد؟ آیا به وسیله‌ی ضمیر...؟» و در جای دیگر می‌پرسد: «آیا خدا در چیزی می‌باشد؟ یا چیزی بر او احاطه می‌کند؟...» امام علیه السلام در پاسخ می‌فرمایند: «این از پیچیده‌ترین نکاتی است که مورد پرسش همه‌ی مردم می‌باشد. و افرادی که دچار کاستی در عقل و علم و فهم هستند، آن را نمی‌فهمند، و در مقابل، عقلای منصف از درک آن عاجز نیستند، پس خوب در جواب من دقت کن و آن را بفهم.» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۲۴/۱-۱۱۱)

حضرت در این مناظره به مانند یک فیلسوف کامل برای اثبات ادعای خود در پاسخ به سؤالات عمران، استدلال‌های عمیقی ارائه می‌کند که شخص عادی نمی‌تواند آن را درک کند؛ بلکه برای درک آن، آدم‌های باهوش و عالمی چون عمران صابی باید وجود داشته باشند؛ در عین حال امام علیه السلام مکرراً در حین بحث از عمران می‌پرسد، آیا فهمیدی؟ (یعنی اگر متوجه حقیقت امر

نشدی، توضیح دهم.)! (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲: ۱۰۴-۸۳ در ذیل مناظرات امام با عمران صائبی)

۲-۳- رعایت مقتضای حال

امام هشتم علیه السلام علاوه بر در نظر گرفتن سطح فکری مخاطبان، با توجه به مقتضیات زمانی در مباحثات، سخن می‌گفتند. به طور مثال در مسئله‌ی خلق قرآن که از مسائل حادّ کلامی آن دوران بود، در پاسخ به سؤال از حدوث و قدم قرآن، به دو روش پاسخ می‌دادند:

زمانی که سؤال کننده، شخص مورد اعتماد بود و برای کشف حقیقت سؤال می‌کرد، امام می‌فرمودند: «چگونه می‌توان گفت قرآن مخلوق نیست؟!» (عطاردی، ۱۴۰۶ ق: ۳۰۷/۱) و با ظرافت خاصی اشاره به حدوث این کلام الهی داشتند. و زمانی که با اهداف دیگری - از جمله تحت فشار قرار دادن قائلین به قدم قرآن از سوی دستگاه خلافت - مطرح می‌شد، در پاسخ می‌فرمودند: «قرآن نه خالق است و نه مخلوق، بلکه کلام الهی است.» (صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۲۲۳) و بدین وسیله حضرت از پاسخ صریح امتناع می‌ورزیدند. (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲: ۱۱۲ و ۶۱)

۲-۴- به کارگیری تشبیهات و تمثیلات

در میدان احتجاج امام علیه السلام زمانی که به اقامه حجت و دلیل می‌پرداختند، پایه‌ی سخن را با مثال‌های ساده و قابل فهم و آنچه در صحنه‌ی زندگی ملموس و محسوس است، استوار می‌کرد، تا پس از برطرف شدن پیچیدگی مطلب و درآمدن آن به صورت پدیده‌ای ساده و روشن، مجال شک و تردید برای مخاطب باقی نماند و در همه‌ی این احوال روش آن حضرت معجزه‌آسا بود. یکی از مواردی که برای این شیوه می‌توان ذکر کرد، مسأله‌ی تدفین و تجهیز پدر بزرگوار آن حضرت، امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌باشد. بعضی بر این عقیده بودند که امام رضا علیه السلام در تجهیز و تدفین پدر بزرگوار خود شرکت نداشتند؛ زیرا در آن زمان امام رضا علیه السلام در مدینه بودند و امام موسی بن جعفر علیه السلام در بغداد به شهادت رسیده بودند.

امام علیه السلام در پاسخ به علی بن ابی حمزه (از رهبران واقفیه)، از تجهیز امام حسین علیه السلام در کربلا پرسیدند، وی در پاسخ گفت: «علی بن الحسین علیه السلام عهده‌دار تجهیز و تدفین پدر شدند.» امام برای اتمام حجت از او پرسیدند: «علی بن الحسین علیه السلام در کجا بود؟» او در پاسخ گفت: «در کوفه زندانی عیدالله.» و امام فرمودند: «اگر علی بن الحسین علیه السلام با این که زندانی بود، از کوفه به کربلا

رفت، من هم که زندانی نبودم، آسان‌تر می‌توانستم از مدینه به بغداد بیایم، بدون آن که کسی اطلاع پیدا کند.» (عطاردی، ۱۴۰۶ ق: ۵۵۳)

نمونه‌ی دیگر از شیوه به کارگیری تشبیه و تمثیل ایشان در مناظره با عمران صابی یافت می‌شود: وقتی عمران سؤال کرد: «آیا چنین نیست که خداوند پیش از ایجاد مخلوقات ساکت بود و سخنی نمی‌گفت، سپس سخن گفت؟» امام علیه السلام فرمود: «سکوت ممکن نیست، مگر این که پیش از آن نطقی صورت گرفته باشد، همان‌طور که گفته نمی‌شود چراغ ساکت است یا با اراده به ما روشنایی می‌دهد؛ زیرا روشنایی و کار وجودی صادر از چراغ نیست؛ چراغ جز موجودیت خود چیزی نیست؛ وقتی که چراغ برای ما روشن شود، می‌گوییم چراغ برای ما روشن شد و ما از روشنایی آن برخوردار گشتیم.» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۱۲/۱ و ۱۱۱؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۴۴۸/۲؛ عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ۹۲/۲ و ۹۱)

سپس عمران می‌گوید: «... خداوند با آفریدن خلق، در کاری که انجام داد، تغییری پیدا کرده است.» امام علیه السلام برای رفع این شبهه از ذهن عمران می‌فرماید: «... آیا آتش از ذات خود تغییری پیدا می‌کند؟ آیا گرما را می‌بینی که خود را بسوزاند؟ آیا دیده‌ای که بیننده‌ای چشم خود را ببیند؟» (همان)

سپس عمران سؤال دیگری از امام می‌پرسد: «خداوند در مخلوقات است یا مخلوقات در او؟» حضرت برای پاسخ سؤال او می‌فرماید: «... به من خبر بده از آینه‌نگامی که عکس تو در آن منعکس می‌شود، آیا تو در آینه‌ای یا آینه در تو؟» (همان)

۳- احقاق حق و حق‌مداری

آنچه در سراسر مناظرات امام هشتم به وضوح دیده می‌شود، نیت صادق و هدف مقدس می‌باشد و آن هدف، جز احقاق حق نیست. روش دیگر مناظره‌ای امام نسبت به بسیاری از مباحث و گفت‌وگوهای دیگر، جنبه‌ی روشنگری و حقیقت‌گرایی آن است. در اغلب مناظراتی که از سوی عالمان و ارباب مذاهب و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی برپا می‌شود، هدف مناظره‌کنندگان، غلبه بر طرف و یا اقناع او می‌باشد، ولی مناظره‌ی امام رضا علیه السلام فقط در جهت روشنی حقیقت و ارشاد انسان‌ها می‌باشد.

علاوه بر روشنی حقیقت و رسیدن به آنچه که حق و صحیح است، در مناظرات حضرت

به نکات ظریفی در شیوهی برخورد ایشان می‌رسیم که نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی حق‌مداری ایشان است. به چند مورد از آن‌ها در ذیل بحث اشاره می‌گردد:

۳- ۱ - علاقه مخاطب به ادامه‌ی بحث

آن‌چه انسان‌ها به دنبالش می‌گردند، حق است. وقتی آن را بیابند، در مقابلش سر تسلیم فرود می‌آورند. این برخاسته از فطرت حق‌گرایی انسان است. در مناظره‌های ایشان، آن‌چه جلوه‌ی این مهم را نشان می‌دهد، تمایل مخاطب برای ادامه‌ی بحث است. به وضوح می‌توان در مناظره‌های امام رضا علیه السلام شاهد بود که صحبت‌های ایشان چنان در مخاطب تأثیر می‌گذاشت که وقتی آن حضرت به پایان سخنان می‌رسید، مخاطب مشتاقانه به شنیدن مطالب بیشتر اصرار می‌نمود؛ برای مثال سلیمان مروزی (متکلم معروف خراسان) پس از پاسخ امام در مورد "بداء"، مشتاقانه از امام خواست که در مورد آن بیشتر بگوید، و پس از روشن شدن بحث و پذیرش آن، از امام خواست تا در مورد "اراده" بحث را ادامه دهند. (صدوق، ۱۳۷۳: ۱/۱۲۴-۱۲۲)

۳- ۲ - تفقد از مناظره کنندگان

یکی دیگر از نمونه‌های شیوه‌ی حق‌مداری حضرت را می‌توان در تفقد و دلجویی از عمران صابی، پس از ایمان آوردن و مسلمان شدن او یافت. حق و حقیقت به وسیله‌ی بیان شیوا و دلنشین امام رضا علیه السلام بر عمران روشن گردید و شریک مناظره در پایان بحث و گفت‌وگو به سجده افتاد و شهادتین را گفت. امام از این مسئله شادمان گشته و از او سپاسگزاری می‌کند. ... امام پس از ترک مجلس مناظره و بازگشت به منزل، نوفلی را به نزد عمران می‌فرستد تا عمران را بیاورد. او را تشویق نموده، جامه و خلعت به او می‌دهد و مرکبی به او مرحمت نموده و ده هزار درهم نیز به او عطا می‌نماید و سپس از عمران می‌خواهد تا شام را با ایشان صرف کند و... بعد از این عمران با متکلمین از اصحاب مذاهب به بحث و گفت‌وگو می‌پردازد. (صدوق، ۱۳۷۳: ۱/۱۲۴)

۳- ۳ - استناد به کتاب و سنت

آئین مقدس ما، مبتنی بر دو پایه‌ی حق و حقیقت (یعنی کتاب قرآن و سنت رسول و ائمه اطهار علیهم السلام) می‌باشد. ائمه بزرگوار ما همواره در اثبات مطالب خویش در بحث‌ها و گفت‌وگوها از این دو منبع اصلی بهره‌جسته‌اند. حضرت رضا علیه السلام نیز از این امر مستثنی نبوده و ایشان در مواردی

که طرف مباحثه مسلمان بود، با استناد به کتاب و سنت سخن و حرف خود را اثبات می‌کردند. از جمله مناظره ابوقره با امام علیه السلام در مورد سخن گفتن و دیدن خداوند و پاسخ امام علیه السلام با استناد به آیات قرآن. (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۸: ۱۱۰؛ هم چنین ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲: ۱۰۹-۱۰۵ و ۶۶ و ۶۵)

نمونه‌ی دیگر: درباره‌ی حدیثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فرود آمدن خداوند تبارک و تعالی به آسمان دنیا نقل می‌کنند و پاسخ امام علیه السلام با استناد به حدیث نبوی. (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۱۷۶)

ب) ویژگی‌های مناظرات کلامی امام رضا علیه السلام

بررسی گفت‌وگوها و احتجاجات امام رضا علیه السلام و نکته‌های موجود در مناظرات، نشان می‌دهد که تفوق علمی ایشان، تحسین مخاطبان را به دنبال داشته است. ایشان در مناظرات خود با استفاده از اصول عقلانی و منطقی به دفاع از دین پرداخته‌اند، تسلط ایشان بر علوم مختلف سبب غنابخشی به مناظرات گشته است. و امام علیه السلام در احتجاجات خود با استمداد از قرآن و سخنان ائمه علیهم السلام به تشریح مفاهیم اسلامی می‌پرداختند.

در این قسمت نگارنده به بررسی چند مورد از ویژگی‌های مناظرات حضرت در بعد علمی می‌پردازد.

۱ - تبیین جایگاه عقل در دین

عقل و دین هر دو از مواهب و نعمات گرانبهای الهی برای بشریت هستند و کرامت آدمی در تکریم و تعظیم هر دوی آنهاست و اقبال به یکی و ادبار از دیگری، پیامدهای خسارت‌بار و جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. به گونه‌ای که مسلماً تکیه به عقل صرف و پرهیز از دین، باعث طغیان انسان و بی‌مهاری شدن نفس می‌شود که بی‌هویتی و سرگشتگی و بحران انسان معاصر نیز زائیده خردورزی افراطی جهان معاصر است. (هاشمی، بی تا: ۱۰/۸)

مباحث و مناظراتی که امام رضا علیه السلام با سران و نمایندگان ادیان و مذاهب مختلف انجام داد، با آن همه امتیازات و خصوصیت‌های خاص خود که محتوای آنها چیزی جز تبیین علوم و معارف اسلامی نبود، از یک درخشش خاصی برخوردار بود و آن تجلی بعد منطقی و عقلانی در نوع استدلال‌هایی بود که اقامه می‌فرمود. با مراجعه به سخنان و مناظرات ایشان به راحتی می‌توان به این نکته دست یافت که هر سخنی از آن حضرت در خصوص اثبات مدعای خود با اصول منطقی و عقلانی همراه بوده است، به گونه‌ای که عنصر تعقل و خردپذیری جزء لاینفک

استدلال‌های آن حضرت در مقام احتجاج با مخالفان دین و مذهب بوده است و همین نکته هم باعث محکوم شدن و ساکت ماندن مخالفین در مقابل امام علیه السلام و در نتیجه هدایت و مشرف شدن آن‌ها به دین اسلام و تشیع بوده است که با در نظر گرفتن نقطه مشترک و مقبول بین طرفین که همان اصول منطقی و عقلی است، صورت می‌گرفت. (رضایی مهر، ۱۳۸۲: ۳)

امام رضا علیه السلام در مناظره‌های خود به طرف مناظره لزوم درک و رعایت این اصل را گوشزد نمود؛ به نمونه‌هایی از این مصداق در ذیل موضوع اشاره می‌شود.

۱ - در پاسخ به عمران صابی درباره‌ی این موضوع که خدا در چه چیز است؟ آیا چیزی بر او احاطه دارد؟ و آیا از چیزی به چیزی تغییر و تحول می‌نماید؟ فرمود: «ای عمران! خبر می‌دهم تو را به آن چه پرسش کردی؛ لکن در آن چه تو را می‌گویم، از روی تعقل بنگر و در آن چه پرسش کردی، فهم و عقل پیش آور؛ چه این مطلب غامض‌ترین و مشکل‌ترین مسائل و مطالبی است که بر مردم وارد می‌شود، و کسانی که دارای عقل، فهم و ادراک ثابت نباشند و در عرصه‌ی جهل و نادانی دچار باشند، از فهم آن عاجز گردند، و کسانی که دارای عقل، انصاف، حق‌خواهی و حق‌شناسی باشند، از فهم بیچاره نیستند.» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۷۶/۱ و ۱۷۵؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۴۵۰/۲ و ۴۴۹؛ هم چنین ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲: ۹۳)

۲ - شخصی دو گانه‌پرست به خدمت حضرت رضا علیه السلام رسید و گفت: «به اعتقاد ما دو خدا صانع و سازنده‌ی عالم است؛ دلیل شما بر وحدانیت و یگانگی خدای عالم چیست؟» حضرت در پاسخ به او فرمودند: «این سخن تو که جهان دو صانع دارد، خود دلیل بر یگانگی صانع است؛ زیرا تو مدعی آفریدگار دوم نیستی، مگر پس از اثبات صانع اول؛ بنابراین، آفریدگار یگانه مورد اجماع همگان است، ولی بیش از یک صانع مورد اختلاف است و مورد اختلاف هرگز قطعی نیست.» (صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۲۷۰؛ هم چنین ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲: ۸۵)

در این بیان حضرت با دلیل عقلانی می‌فرماید اعتقاد به خدای یگانه که همگان بر آن اتفاق نظر دارند، نیازمند به برهان نیست، بلکه ثنوی باید برای دو گانه‌پرستی خود دلیل بیاورد.

۳ - از جمله موارد نظری که امام علیه السلام با ارجاع به بدیهیات آن را حل کرده و قابل فهم نموده است، مسأله حدوث و اراده‌ی خداوند است. آن حضرت برای اثبات این مطلب که اراده حادث است، نه ازلی، در مناظره علمی و کلامی خود با متکلم زبردستی چون سلیمان مروزی، فرمود:

«اراده از دو حال بیرون نیست، ازلی و یا حادث است.» و سپس فرمود: «اگر اراده ازلی باشد، حادث نیست و اگر حادث باشد، نمی‌تواند ازلی باشد.» (ر.ک: صدوق، ۱۳۸۷: ۴۴۴)

حضرت در این جا حدوث اراده‌ی الهی را که یک امر نظری است، با ارجاع و استناد به یک امر بدیهی که اجتماع و ارتفاع نقیضین محال است، قابل فهم و پذیرش نموده است.» (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۱۴)

۴- امام رضا علیه السلام در حل مسأله جبر و اختیار، همان راه میانه را در پیش گرفته، و در بیان علت این موضع‌گیری می‌فرماید: «خداوند نه به اکراه اطاعت می‌شود و نه با غلبه معصیت می‌گردد و نه در ملک خویش بندگان را به خود و نهاده است...» (ر.ک: صدوق، ۱۳۸۷: ۳۶۱)

لازم به توضیح است که امام علیه السلام در نفی اجبار که مستلزم اجحاف و ستم از سوی خداوند است، در پاسخ این پندار که خدا گناهکاران را بر گناه مجبور ساخته، دامن کبریایی او را عالی از هر گونه ستم دانسته و از سوی دیگر در رد تفویض که مستلزم نوعی اختلال در اراده و مشیت خداست، فرمود: «خدا عزیزتر از آن است که قدرت و خواست انسان به خود و نهاده شده، بر خواست و مشیت خدا غلبه کند.» (همان؛ هم چنین ر.ک: مطهری، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۲۷)

۲- توجه به مشترکات قابل قبول

در مناظره با افراد و گروه‌های مختلف، علاوه بر براهین عقلی، باید از دلایلی استفاده شود که مورد قبول و پذیرش طرف مقابل باشد و به اصولی که مخاطبین به آن توجه دارند، احترام گذاشت.

امام رضا علیه السلام که آشنایی کامل با فن مناظره داشتند، این اصل را به شایستگی رعایت کردند. به طوری که ایشان گفت‌وگو را بر اساس مسلمات و مقبولات که مورد قبول طرف مقابل بود، انجام می‌دادند. با دانشمندان اسلامی بر اساس آیات و روایات بحث می‌کردند، با سران مذاهب بر اساس کتب آسمانی آنان به بحث می‌نشستند، و اگر طرف مقابل درخواست شاهد برای داوری می‌نمود، ایشان قبول می‌کردند و...

در این قسمت از بحث به چند نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

۱- وقتی مأمون از جاثلیق خواست تا در مناظره با امام شرکت کند، جاثلیق گفت: «چگونه با مردی احتجاج کنم که او با من احتجاج می‌کند با کتابی که منکر آن هستم و با پیامبری که من به

او ایمان ندارم.» حضرت فرمود: «ای جاثلیق، اگر من با انجیلت با تو احتجاج کنم، آیا اقرار می‌کنی؟» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۰۴/۱؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۴۲۰/۲)

۲- در مناظره با جاثلیق، وقتی از امام پرسید: «درباره نبوت عیسی و کتابش چه عقیده‌ای داری؟»... امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «من به نبوت عیسی و کتابش و به آن چه امتش را بدان بشارت داده و حواریون نیز آن را قبول کرده‌اند، ایمان دارم...» (همان)

۳- در همین مناظره، وقتی جاثلیق از امام می‌خواهد تا دو شاهد عادل - برای تأیید سخنان خود - معرفی کند، به شرط آن که مسلمان نباشند و نیز مسیحیان آن‌ها را قبول داشته باشند، امام علیه السلام به گرمی از این پیشنهاد استقبال می‌کند و یوحنا دیلمی (محبوب‌ترین شخص نزد مسیح) را معرفی می‌کند. (همان)

آن‌گاه امام علیه السلام به جاثلیق می‌گوید: «تو را سوگند می‌دهم آیا در انجیل نیامده که یوحنا گفت: مسیح مرا به کیش محمد عربی آگاه نمود و بشارت داد که بعد از او خواهیم آمد و من نیز به حواریون مژده دادم و آنان به او ایمان آوردند؟» (همان)

۴- در مناظره با رأس الجالوت (نماینده یهودی‌ها)، وقتی ادعا می‌کند هیچ دلیلی از امام نمی‌پذیرد، مگر آن‌که در تورات یا انجیل یا زبور داود یا صحف ابراهیم باشد. حضرت از پیشنهاد او کاملاً استقبال می‌کند و می‌فرماید: «دلیلی از من نپذیر، مگر آن‌چه از تورات... و انجیل و... زبور... آمده است.» (طبرسی، ۴۳۹/۲)

۵- در باب عصمت انبیاء وقتی مأمون از آیه‌ی ۱۲۱ سوره‌ی طه «آدم عصیان پروردگارش را کرد و راه گم کرد» را به عنوان اشکال بر ادعای شیعیان بر عصمت انبیاء مطرح می‌نماید. امام علیه السلام در پاسخ با اشاره به آیه‌ی قرآن - که قابل قبول برای هر دو طرف است - شبهه‌ی وی را برطرف می‌کند. و همین‌طور تا آخر مناظره که مأمون یک به یک با اشاره به آیات قرآن بر عصمت انبیاء شبهه وارد می‌کند و امام به تمامی آن شبهات به وسیله‌ی آیات قرآنی پاسخ می‌دهد. (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۳: ۱۶۲/۱-۱۵۵)

۳- جامعیت و تسلط بر علوم

دریای بی‌کران علم عالم آل محمد آن‌چنان موج بود که پس از مناظره با افراد گوناگون، همگی بر علم و آگاهی کامل حضرت حتی به کتاب‌های یهودیان، مسیحیان و... اعتراف

می‌کردند؛ این امر موجب سکوت برخی از آنان در برابر عظمت و آگاهی امام می‌شد. (برای نمونه ر.ک: صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۳۳۹)

چون حضرت احاطه‌ی کامل بر بحث داشتند، اگر مناظره‌کنندگان اشتباهی می‌کردند، اشتباه آن‌ها را گوشزد می‌نمودند. (برای نمونه ر.ک: صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۴۴۸-۴۴۰ مناظره امام با سلیمان مروزی) لازم به ذکر است که برپایی این مناظرات توسط مأمون اکثر اوقات بدون هماهنگی با امام رضا علیه السلام بود. اما آن حضرت بدون اکرایی آن را می‌پذیرفتند و حاضر به مناظره می‌شدند. البته فراست و هوشیاری امام در تمام این مناظرات اعجاب‌آور است. در زیر به چند مورد از این شواهد اشاره می‌گردد:

۱- در مناظرات مرو، امام علیه السلام به جاثلیق فرمود: «ای جاثلیق، از آن‌چه می‌خواهی، بپرس.» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۰۵/۱؛ طبرسی، ۴۲۸/۲)

این گونه آزادی قائل شدن برای رقیب، از هر کسی بر نمی‌آید. انسان‌های آگاه چون امامان معصوم و آن‌ها که به علم بی‌نهایت الهی وصل‌اند، می‌توانند چنین مطالبی را شجاعانه اعلام کنند؛ اما دیگرانی که مناظره می‌کنند، اغلب تنها در حیطه‌ی بحث مورد نظر آگاهی و تسلط دارند و نمی‌توانند به هر مناظره‌ای تن دهند.

۲- در مناظره با سلیمان مروزی، وقتی که سلیمان از دادن پاسخ در مانده شد، دوباره به آن‌چه بحث بر آن دور می‌زد، بازگشت و گفت: «اراده، صفت است نه فعل.» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۲۹/۱-۱۲۷؛ طبرسی، ۳۹۲/۲-۳۹۰) امام علیه السلام مناظره را به روش دیگری غیر از روش نخست با او از سر می‌گیرد. و همین عمل نشان می‌دهد که این مسأله تا چه حد از نظر امام رضا علیه السلام روشن و مدلل است که به هر شیوه‌ای که بخواهد، آن را برای او اثبات می‌کند.

۳- در انتهای مناظره، هنگامی که سلیمان مروزی دیگر قدرت ادامه‌ی بحث با آن حضرت را نداشت، مأمون به سلیمان گفت: «ای سلیمان، او عالم‌ترین هاشمی است.» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۳۲/۱؛ عطاردی، ۱۱۳/۲)

۴- امام علیه السلام به تمام کتب آسمانی احاطه داشته و تمامی مطالب و موضوعات آن را می‌دانستند و حتی بهتر از دانشمندان یهودی و مسیحی آن را می‌خواندند. برای نمونه وقتی یوحنا دیلمی را به عنوان شاهد بر گفتار خود معرفی کردند، به جاثلیق خطاب کرد: «تو را سوگند

می‌دهم آیا در انجیل نیامده که یوحنا گفت: مسیح مرا به کیش محمد عربی آگاه نمود و بشارت داد که بعد از او خواهم آمد و من نیز به حواریون مژده دادم و آنان به او ایمان آوردند؟» (صدوق، ۱۳۷۳: ۱۰۴/۱)

۴ - محوریت قرآن در مناظرات

معتبرترین مدرک در نزد مسلمانان کتاب قرآن است و به همین جهت، ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام - به مانند سایر ائمه‌ی اطهار علیهم السلام - در مناظرات و احتجاجات خود از قرآن بهره کافی برده و آن را محور قرار داده‌اند.

از جمله در مناظره با ابوقره، هنگامی که او یک روایت را به عنوان شاهد آورد، حضرت آن را قبول نکرد و آیاتی از قرآن را برای او خواند. ابوقره از حضرت پرسید: «بنابراین شما این حدیث را تکذیب می‌کنی و قبول نداری؟» حضرت در جواب فرمودند: «اگر روایت مخالف قرآن باشد، آن را تکذیب می‌کنیم...» (ر.ک: طبرسی، ۳۹۷/۲ و ۳۹۶)

از این روایت معلوم می‌ود که حضرت در نظرات خود، قرآن را محور قرار داده و روایاتی را که برخلاف قرآن بود، نمی‌پذیرفتند و بلکه آن‌ها را تکذیب می‌کردند.

۵ - شروع از مسائلی زیربنایی

امام علیه السلام در بیان مطالب و موضوعات، خصوصاً زمانی که نیاز به استدلال داشتند از مسائلی زیربنایی و ابتدایی شروع می‌کردند تا به موضوع اصلی که مدنظرشان بود، برسد و در واقع به کار بردن این روش اصولی در احتجاجات سبب موفقیت و نیل به مقصود می‌گشت.

در این قسمت چند مصداق از مناظرات امام علیه السلام در زمینه‌ی بحث مورد نظر بیان می‌گردد. «در مجلس مأمون با حضور عده‌ای، شخصی از امام علیه السلام پرسید: دلیل بر امامت چیست؟ امام در پاسخ فرمودند: دو راه برای اثبات امامت وجود دارد: ۱ - تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله بر امامت شخص، ۲ - نشانه‌های امامت. آن شخص می‌پرسد: نشانه‌های امامت در چیست؟ امام علیه السلام می‌فرماید: در علم و اجابت دعای او... سؤال و جواب‌ها ادامه پیدا می‌کند تا جایی که امام موضوع نهایی را می‌فرماید: «خداوند ما را با روحی پاک و مقدس، که همانند ستونی از نور بین ما و خداست، تأیید می‌کند...» (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۳: ۲۰۰/۲؛ هم چنین ر.ک: مطهری، ۲۰۶-۱۹۹)

و یا در نمونه‌ی دیگر، هنگامی که عمران صابی از امام علیه السلام خواست که از نخستین وجود و

مخلوقاتش با وی سخن بگوید، ایشان پاسخ را با این مقدمه آغاز کرد: «اما خداوند یگانه از ازل بی‌همتا بوده، موجودی است که چیزی با او نبوده، حدود و اعراض راهی به او نداشته و الآن، هم‌چنان که در آینده (برای ابد نیز) چنان است...» (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۳: ۱۲۴/۱-۱۱۱؛ ر.ک: طبرسی، ۴۵۰/۲-۴۴۷)

و سپس از خلقت مخلوقات سخن می‌گویند و بدیع بودن خلقت و سپس تقسیم‌بندی مخلوقات و در ادامه‌ی بحث و گفت‌وگو سؤال و جواب از صفات الهی ادامه پیدا می‌کند... تا جایی که عمران سخنان حضرت را تصدیق کرده و به خداوند ایمان می‌آورد. (ر.ک: مطهری، ۱۰۴-۹۳)

نمونه‌ی دیگر از این مصداق در مناظره امام علیه السلام با سلیمان مروزی دیده می‌شود، امام از طریق مبادی عقلی بر حادث بودن اراده‌ی الهی استدلال نموده و قدیم بودن آن را رد کردند.

سلیمان اراده را غیر از ذات الهی و ازلی می‌دانست. اما امام در راهنمایی او فرمود: «اراده حادث است، زیرا اگر چیزی ازلی و قدیم نبود، باید حادث باشد و اگر حادث نبود، باید ازلی باشد.» اما سلیمان حرف دیگری می‌زد و بحث و گفت‌وگو ادامه یافت تا... امام به سلیمان گفت: «بگو ببینم به نظر تو اراده فعل است یا غیر فعل؟ و کار است یا نه؟ سلیمان: بله، اراده فعل است. امام علیه السلام: بنابراین اراده حادث است، زیرا افعال محدث می‌باشند...» (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۳: ۱۳۱/۱-۱۲۴؛ ر.ک: طبرسی، ۳۹۱/۲-۳۸۴)

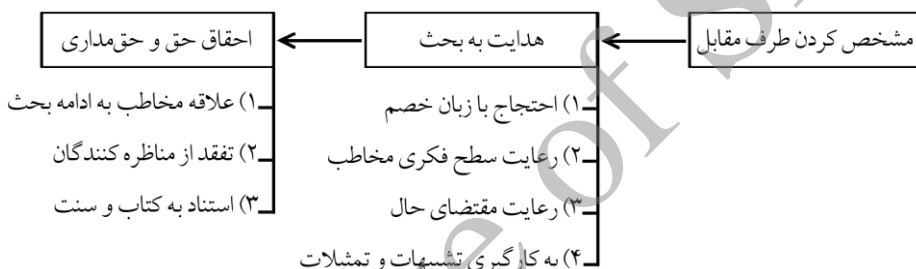
۶- پافشاری در اثبات مواضع مهم و مبنایی

با مروری اجمالی بر مواضع حضرت در برابر مخاطبان و خصوصاً فرق گوناگون کلامی، این نتیجه حاصل می‌گردد که گاه امام برای اثبات موضوع پافشاری می‌کردند. همانند اثبات صفت اراده برای خداوند که از صفات فعل است و حادث است نه قدیم، در مناظره با سلیمان مروزی به طوری که بارها مطلب را تکرار نموده و بر آن تأکید داشتند. وقتی مروزی بدین جا رسید که گفت: «من چیزی را غیر از ذات او قدیم نمی‌دانم.» امام بلافاصله گفت: «پس می‌گویی اراده حادث است.» ... پس از مدتی بحث، امام دوباره مطلب را مرور کرد و فرمود: «اراده حادث، زیرا اگر چیزی ازلی و قدیم نبود، باید حادث باشد و اگر حادث نبود، باید ازلی باشد.»... و این بحث را امام بارها تکرار کردند. (همان)

و یا در برخورد با فرق منحرف شده از اسلام مثل غالیان و مفوضه شدیدترین برخورد را داشتند. به طوری که وقتی ابوهاشم جعفری از امام علیه السلام در مورد این دو گروه می‌پرسد، ایشان در جواب می‌فرماید: «غلات کافر و مفوضه مشرکند. هر کس با ایشان هم‌نشین شود، رفت و آمد کند یا هم‌خوراک و هم‌شرب شود، از حریم ولایت خداوند و رسولش صلی الله علیه و آله خارج گشته و از دایره ولایت ما خاندان بیرون رفته است.» (ر.ک: صدوق، ۱۳۷۳: ۴۹۰/۲)

نتیجه‌گیری

• با توجه به مباحثی که گذشت، فرآیند روش مناظراتی امام را می‌توان در سه مرحله ارائه کرد.



• علاوه بر روش مناظراتی حضرت، ویژگی‌های بحث و گفتگوهای ایشان نیز جای تأمل است.

از جمله آگاهی‌بخشی و ایجاد نگرش توأم با عقلانیت امام در مناظرات سبب می‌شد تا از نظر علمی و روانی بیش‌ترین تأثیرات آموزشی را بر طرف مناظره‌ای خود بگذارد.

• در سیره آموزشی حضرت رضاع علیه السلام یکی از ابعاد مهم، توجه به چگونگی به کارگیری سبک و روش مناظره با ویژگی‌ها و خصوصیات منحصر به فرد است که می‌تواند نقش بارزی را نه تنها در پیش برد اندیشه الهی که در طرح مباحث نظری، از نظر دامنه و عمق داشته باشد، اما متأسفانه در محافل علمی و دانشگاه‌ها کمتر مورد توجه و استفاده علمی بوده است.

فهرست منابع

- ۱ ابن بابویه (صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، (۱۳۷۳)، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، صدوق، تهران.
- ۲ ابن بابویه (صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، (۱۳۹۸ ق)، *التوحید*، مکتبه الصدوق، جامعه مدرسین، قم.
- ۳ رضایی مهر، حسن، (۱۳۸۲)، *دفاع عقلائی از دین در مناظرات امام رضا* علیه السلام، روزنامه قدس (صبح ایران).
- ۴ طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، (۱۳۸۱)، *احتجاج*، دارالکتب الاسلامیه.
- ۵ عطاردی، عزیز الله، (۱۴۰۶ ق)، *مسند الامام الرضا* علیه السلام، آستان قدس رضوی، مشهد.
- ۶ مجلسی (علامه) محمد باقر، (۱۴۰۳ ق)، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
- ۷ مطهری، اعظم، (۱۳۹۲)، *بررسی مناظرات کلامی امام رضا* علیه السلام، پایان نامه مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواران قم.
- ۸ هاشمی اردکانی، حسن، (۱۳۸۷)، *روش مناظره‌ی علمی در سیره‌ی آموزشی امامان معصوم* علیهم السلام، فصلنامه تربیت اسلامی.
- ۹ هاشمی، خدیجه، (بی تا)، *خرد ورزی از دیدگاه امام رضا* علیه السلام، ماهنامه پژوهشی اطلاعات حکمت و معرفت.